

## درس سی و چهارم

### راهی از میان دریا

#### خروج ۱۳-۱۵

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در درس گذشته دیدیم که خدا نخست‌زادگان مصری را هلاک کرد و بدینوسیله قوم اسرائیل را از اسارت بردگی آزادی کرد. اما نخست‌زادگان اسرائیل را تنها به خاطر خون بره‌ای که بر سر در خانه آنها پاشیده شده بود از مرگ رها نید. زیرا خدا، خود گفته بود، «و آن خون علامتی برای شما خواهد بود، و بر خانه‌هایی که در آنها می‌باشید و چون خون را بینم، از شما خواهم گذشت.» (خروج ۱۲:۱۳)

از این رو در آن شب تمام طوایف اسرائیل از مصر بیرون آمدند. شب خروج از مصر برای آنها پر از شادی بود. به این موضوع فکر کنید! صدها سال بود که مردم مصر بر آنها ظلم و ستم می‌کردند و آنها را بر کارهای بس دشوار گماشته بودند تا جایی که آنها دیگر امیدی به زندگی نداشتند. اما اکنون..... اکنون آنها آزاد بودند! در آن شب خروج خداوند خدا آنها را رهایی بخشید! زنجیرهای اسارت آنها فرو ریخته بود! و اکنون خدا به آنها وعده می‌دهد که از طریق بیابان آنها را به سرزمین کنعان برساند، سرزمینی که همانگونه که می‌دانید، خدا سالها قبل سوگند یاد کرده بود که آن را به فرزندان ابراهیم، اسحاق، و یعقوب بدهد. کنعان همان سرزمینی بود که یعقوب و فرزندانش پیش از اینکه به مصر، نزد یوسف بروند در آنجا زندگی می‌کردند. امروز این سرزمین فلسطین یا اسرائیل نامیده می‌شود!

امروز می‌خواهیم درباره داستان شگفت‌انگیز رهایی اسرائیل از چنگال لشکریان فرعون به دست خدا سخن بگوییم. اکثر آیاتی که امروز می‌خوانیم از باب چهارده کتاب خروج هستند. به داستانی که حضرت موسی در تورات ثبت نموده است گوش دهید:

و بنی اسرائیل از رع‌مسیس به سکوت کوچ کردند، قریب ششصد هزار مرد پیاده، سوای اطفال. و گروهی مختلفه بسیار نیز همراه ایشان بیرون رفتند، و گله‌ها و رمه‌ها و مواشی بسیار سنگین. (۱۲:۳۷-۳۸)

و موسی استخوانهای یوسف را با خود برداشت، زیرا که او بنی اسرائیل را قسم سخت داده، گفته بود: «هر آینه خدا از شما تفقد خواهد نمود و استخوانهای مرا از اینجا با خود خواهید برد.»... و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت و در شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند. و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب، از پیش روی قوم برداشت. (۱۳:۱۹-۲۲)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: «به بنی اسرائیل بگو که برگردیده، برابر قُم‌الحيروت در میان مَجَائِل و دریا اردو زنند. و در مقابل بعل صَفُون، در برابر آن به کنار دریا اردو زنید. و فرعون درباره بنی اسرائیل

خواهد گفت: «در زمین گرفتار شده‌اند، و صحرا آنها را محصور کرده است. و دل فرعون را سخت گردانم تا ایشان را تعاقب کند، و در فرعون و تمامی لشکرش جلال خود را جلوه دهم، تا مصریان بدانند که من یهوه هستم.» پس چنین کردند. و به پادشاه مصر گفته شد که قوم فرار کردند، و دل فرعون و بندگانش بر قوم متغیر شد، پس گفتند: «این چیست که کردیم که بنی اسرائیل را از بندگی خود رهایی دادیم؟» پس اربابه خود را بیاراست، و قوم خود را با خود برداشت، و ششصد اربابه برگزیده برداشت، و همه اربابه‌های مصر را و سرداران را بر جمیع آنها. و خداوند دل فرعون، پادشاه مصر را سخت ساخت تا بنی اسرائیل را تعاقب کرد. و بنی اسرائیل به دست بلند بیرون رفتند.

و مصریان با تمامی اسبان و اربابه‌های فرعون و سوارانش و لشکرش در عقب ایشان تاخته، بدیشان در رسیدند، وقتی که به کنار دریا نزد فم‌الحیروت برابر بعل صفون فرود آمده بودند. و چون فرعون نزدیکش شد، بنی اسرائیل سخت بترسیدند، و نزد خداوند فریاد برآوردند، و به موسی گفتند: «آیا در مصر قبرها نبود که ما را برداشته‌ای تا در صحرا بمیریم؟ این چیست که ما کردی که ما را از مصر بیرون آوردی؟ آیا سخن نیست که به تو در مصر گفتیم که ما را بگذار تا مصریان را خدمت کنیم؟ زیرا که ما را خدمت مصریان بهتر است از مردن در صحرا!» (خروج ۱۴: ۱-۱۲)

قوم اسرائیل چه می‌گفتند؟ چرا به خدا اعتماد نداشتند؟ آیا خدایی که آنها را از بند اسارت آزاد کرده بود نمی‌توانست از دست لشکریان فرعون نجات دهد؟ مسلماً می‌توانست! اما اسرائیل دیگر اینها را به یاد نمی‌آورد زیرا بسیار ترسیده بودند. دریا در مقابل آنها بود. کوه‌ها در چپ و راست آنها بود. در پشت سر آنها، لشکریان فرعون آرام آرام به آنها نزدیک می‌شدند تا آنها را اسیر سازند و یا حتی بکشند! باید چه می‌کردند؟ چه می‌توانستند بکنند؟ چگونه می‌شد نجات یابند؟ بیایید ببینیم موسی چه گفت و خدا چه کرد.

و موسی به قوم گفت: «مترسید! بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز آن را برای شما خواهد کرد، زیرا مصریان را که امروز دیدید تا به ابد دیگر نخواهید دید. خداوند برای شما جنگ خواهد کرد و شما خاموش باشید.»

و خداوند به موسی گفت: «چرا نزد من فریاد می‌کنی؟ بنی اسرائیل را بگو که کوچ کنند. و اما تو عصای خود را برافراز و دست خود را بر دریا دراز کرده، آن را منشق کن، تا بنی اسرائیل از میان دریا بر خشکی راه سپر شوند. و اما من اینک، دل مصریان را سخت می‌سازم، تا از عقب ایشان بیایند، و از فرعون و تمام لشکر او و اربابه‌ها و سوارانش جلال خواهم یافت. و مصریان خواهند دانست که من یهوه هستم، وقتی که از فرعون، و اربابه‌هایش و سوارانش جلال یافته باشم.»

و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می‌رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامیده، ستوان ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد. و در میان اردوی مصریان و اردوی اسرائیل آمده، از برای آنها ابر و تاریکی می‌بود، و اینها را در شب روشنایی می‌داد که تمامی شب نزدیک یکدیگر نیامدند. پس موسی دست خود

را بر دریا دراز کرد و خداوند دریا را به باد شرقی شدید، تمامی آن شب برگردانیده، دریا را خشک ساخت و آب منشف گردید. و بنی اسرائیل در میان دریا بر خشکی می رفتند و مصریان با تمامی اسبان و ارابه‌ها و سواران فرعون از عقب ایشان تاخته، به میان دریا آمدند. و در پاس صحرای واقع شد که خداوند بر اردوی مصریان از ستون آتش و ابر نظر انداخت، و اردوی مصریان را آشفته کرد. و چرخهای ارابه‌های ایشان را بیرون کرد، تا آنها را به سنگینی برانند و مصریان گفتند: «از حضور بنی اسرائیل بگریزیم! زیرا خداوند برای ایشان با مصریان جنگ می‌کند.»

و خداوند به موسی گفت: «دست خود را بر دریا دراز کن، تا آنها بر مصریان برگردد، و بر ارابه‌ها و سواران ایشان.» پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد، و به وقت طلوع صبح، دریا به جریان خود برگشت، و مصریان به مقابلش گریختند، و خداوند مصریان را در میان دریا به زیر انداخت. و آنها برگشته، عرابه‌ها و سواران و تمام لشکر فرعون را که از عقب ایشان به دریا آمده بودند، پوشانید، که یکی از ایشان هم باقی نماند. اما بنی اسرائیل در میان دریا به خشکی رفتند، و آنها برای ایشان دیواری بود به طرف راست و به طرف چپ. و در آن روز خداوند اسرائیل را از دست مصریان خلاصی داد و اسرائیل مصریان را به کنار دریا مرده دیدند. و اسرائیل آن کار عظیمی را که خداوند به مصریان کرده بود دیدند، و قوم از خداوند ترسیدند، و به خداوند و بنده او موسی ایمان آوردند. (خروج ۱۴: ۱۳-۳۱)

موسی و اسرائیل این سرود را برای خداوند خواندند: «یهوه را سرود می‌خوانم زیرا که با جلال مظفر شده است... خداوند قوت و تسبیح من است. او نجات من گردیده است» (خروج ۱: ۱۵، ۲). پس آنها برای خداوند سرود می‌خواندند و او را به خاطر نجات عظیمی که برای آنها به ارمغان آورده بود شکر می‌کردند. مریم، خواهر هارون و موسی، سرودی برای خداوند خواند: «خداوند را بسزائید زیرا که با جلال مظفر شده است؛ اسب و سوارانش را به دریا انداخت!» (خروج ۱۵: ۲۱)

دوستان، این داستان واقعیت دارد، خدا برای قوم خود از میان دریا راهی گشود. از درس امروز چه می‌آموزیم؟ شاید بتوان با یک سؤال ساده به نتیجه رسید. و آن سؤال این است: چه کسی می‌توانست قوم اسرائیل را از دست لشکریان فرعون برهاند؟ آیا آنها قادر بودند خود را نجات دهند؟ دیدیم که چگونه دریا در مقابل آنها باز شد. در طرفین آنها کوه‌ها قرار داشت. و از پشت سر لشکر فرعون به سوی آنها می‌تاخت. آیا قروم اسرائیل قادر بودند خود را نجات دهند؟ نه، نمی‌توانستند! پس چه کسی قادر بود آنها را نجات دهد؟ تنها خدا! تنها خداوند، خدا می‌توانست آنها را نجات دهد. به همین علت موسی نوشت، «مترسید! بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز آن را برای شما خواهد کرد!» تنها خدا می‌توانست آنها را نجات دهد. به همین خاطر است پس از اینکه به آنسوی دریا رسیدند، می‌خواندند: «خداوند قوت و تسبیح من است. او نجات من گردیده است.»

خدا، خود نجات آنها گردیده بود. برای اسرائیل هیچ راهی وجود نداشت که خود را از دست لشکر فرعون برهاند - هیچ راهی، مگر اینکه راهی را که خدا در مقابل آنها از میان دریا می‌گشود دنبال می‌کردند، و سپس او را به خاطر نجات جانهایشان شکر می‌کردند!

دوستان عزیز، خدا می‌خواهد که همه بدانند که بنی‌آدم همه مثل بنی‌اسرائیل هستند. ما هم همچون آنها، امیدی برای رهایی نداریم و دیری نخواهد پایید که مصیبت گریبانگیر ما می‌شود! شاید دریا مقابل ما نباشد، اما مرگ و جهنم به انتظار ماست. شاید کوه‌ها در اطراف ما نباشند، اما قدوسیت خدا ما را محصور ساخته و ما را محکوم می‌کند. فرعون و لشکریانش پشت سر ما نیستند، اما شیطان و گناهان ما به دنبال ما هستند و ما را تهدید به مرگ ابدی می‌کنند!

چه کسی می‌تواند بنی‌آدم را از داوری عادلانه خدا برهاند؟ چه کسی می‌تواند گناهکار را از آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد رهایی دهد؟ چه کسی می‌تواند انسان را از قدرت شیطان رهایی بخشد؟ چه کسی می‌تواند ما را از تمام اینها برهاند؟ چه کسی می‌تواند ما را از دریای گناه عبور داده و به مکان مقدس که بهشت نامیده می‌شود ببرد؟ تنها خدا! تنها خدا می‌تواند ما را نجات دهد! انسان قادر نیست خود و دیگران را برهاند. این همان چیزی است که کتاب مقدس اعلام می‌کند: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند.» (افسیان ۲: ۸، ۹)

خدا، خدایی که رحمتش عظیم است، در نجات ما به روی تمام فرزندان آدم گشوده است، تا ما را از قدرت شیطان و گناه و جهنم رهایی دهد. خدا می‌خواهد ما را از داوری آتش سوزانی که به خاطر گناهان ما در انتظار ماست، رهایی بخشد، اما ما باید از راه نجاتی که او در مقابل ما گشوده است عبور کنیم! آیا راه نجات را می‌شناسید، راه نجاتی که خدا برای شما باز کرده است تا از قدرت شیطان، عواقب هولناک گناه و جهنم رهایی یابید؟ آیا در طریق عدالتی که خدا تعیین کرده است تا در حضور قدوس او تا به ابد برکت یابید، قرار گرفته‌اید؟ راه نجاتی که خدا به روی بنی‌آدم گشوده است بر مبنای اعمال خوبی که انسان می‌تواند انجام دهد نیست، و نه بر مبنای پیروی از قوانین مذهب است. خدا می‌گوید: «نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند.» راه نجاتی که خدا برای ما تعیین کرده است، چیست؟ آن راه نجات‌دهنده است، نجات‌دهنده‌ای که از آسمان آمد تا برای گناهان ما بمیرد و دوباره قیام کند - تا تمام کسانی را که به او ایمان می‌آورند رهایی دهد - آن دسته از ما که به خاطر قدرت گناه و ترس از مرگ برده بودیم. کتاب مقدس درباره نجات‌دهنده قادر چنین می‌گوید: «در هیچکس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.» (اعمال ۴: ۱۲)

بله، خدا برای شما «در دریای گناه» راهی گشوده است تا از مجازات گناه رهایی یابید و به آنسوی دریا برسید - در حضور امن و مقدس خدا. اما باید از رهای که خدا در مقابل شما گشوده است عبور کنید. نجات‌دهنده در مورد این راه نجات گفته است:

« من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید.... آمین آمین به شما می گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیا جاودانی دارد و در داوری نمی آید، بلکه از موت تا به حیات کنتقل گشته است.» (یوحنا ۶:۱۴؛ ۲۴:۵)

دوستان عزیز، آیا «از موت به حیات داخل گشته اید»؟

از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم، در برنامه بعدی به یاری خداوند خواهیم دید که چگونه خدا در بیابان به بنی اسرائیل خوراک می دهد.... به کلامی که موسی به بنی اسرائیل گفت فکر کنید،

«مترسید! بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز آن را برای شما خواهد کرد.» (خروج ۱۴:۱۳)